

نقشه قلعه بندی

شهر ارومیه*

(دارالنشاط)

فرهاد فخاری تهرانی

سندی که مبنای مطالعات این مقاله را تشکیل می‌دهد، در سال ۱۳۴۵ توسط جناب آقای دکتر ایرج افشار مدیر وقت کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران خریداری شد و با شماره ۹۱۷۴ ثبت گردید. مواردی که بر روی نقشه انجام شده است:

۱- خوانا نمودن متن و تفسیری بر آن

۲- مقایسه تطبیقی این نقشه با اسناد مکتوب همزمان آن

۳- نقد مقایسه با دو نقشه دیگر ارومیه ۱۳۱۲ (غریبیان) و ۱۳۱۷.

۴- نقد و بررسی نقشه و تصاویر نقاشی در جز (معماری)

۵- نقد و بررسی نقشه و تصاویر در حد کلان (منطقه‌ای) و

استان آذربایجان غربی

این نقشه همانطور که در متن آمده «نقشه قلعه فرضی روی دیوار قدیم و برجهای قدیم با ملاحظه حداقل مخارج بجهته قلعه بندی شهر ارومیه و مدافعه آن است، این نقشه با یک جسم مدور یا پرگار به صورت کاملاً مدور کشیده شده و در آن از علامت متعارف نقشه برداری استفاده نشده است. فقط (توپ، درخت، برج، خندق) با علامات نشان داده شده؛ و جهات اربعه در متن نقشه با خط خوش تر نوشته شده است.

با همان خط عبارت «دولت سرای جناب نصیرالملک» و «حسامالملک، خانه و باغ اقبال الدوله» ذکر شده است. نقشه بدون مقیاس می‌باشد و فواصل، دقت لازمه را ندارد ولی ترتیب نامگذاری دقیق است (بعضی از دروازه تغییر نام داده شده است) شهرسازی نقشه به صورت ارگانیک بوده و شطرنجی نمی‌باشد

ولی با خطکش ترسیم شده است.

به احتمال زیاد «اسدالله خان سلطان توپخانه جدید» رسام این نقشه می‌باشد که آن را با دست ترسیم نموده و خندق را با رنگ آبی و حصار شهر را با رنگ قرمز نشان داده است. هر چند نقشه بدون تاریخ است لیکن محتملاً زمان ترسیم آن بین سالهای ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۵ هجری می‌باشد.

بر روی نقشه نوشته شده است:

«نقشه قلعه فرضی در روی دیوار قدیم و برجهای قدیم با ملاحظه حداقل مخارج

شرح - بجهته قلعه بندی شهر ارومیه و مدافعه آن،

بطور سهل از قرار تفصیل ذیل است.

اولاً - تعمیر کردن دیوار اطراف شهر و تازه ساختن

بعضی از دیوار قلعه شهر که بکلی خراب شده است.

ثانیاً - در عقب دیوارها نوارهای کوتاه دیگر ساخت

که بانکت می‌نامند محض آنکه سرباز در روی آن بایستد و مدافعه کند.

ثالثاً - در روی برجهای اطراف شهر جای توپ ساخت.

رابعاً - در طرف جنوب و مغرب شهر به فاصله هزار قدم قلعه خاکی بنا کرد.

خامساً - در حالت لزوم درخت هائی که در اطراف شهر هستند ببرند و هم چنین بعضی دیوارهایی که در جلو شهر هستند خراب کرد چونکه در عقب آنها دشمن پنهان خواهد شد.

رنگ قرمز اطراف شهر علامت دیوار قلعه است.

و رنگ آبی علامت خندق

بجهته بردن توپ در برجها لازم است خانه هایی را که چسبیده به برج هستند خرید و خراب کرد.

چون در شهر قریب شانزده قبرستان بزرگ است و همیشه باعث انواع اقسام ناخوشی می‌شوند بایست حکم داد که بعد از این مرده‌ها را در خارج شهر دفن کنند. محض تخفیف یک عده (؟) ناخوشی زیادی و مرگ و علاوه بر آن داشتن مکان

بجهته این که در یک حالت از شهر در مدافعه باشد یعنی که دشمن احاطه بر شهر کرده باشد در این صورت به سبب بودن این قبرستانها در شهر ناخوشی و مرگ زیادتر خواهد بود.

در پایین نقشه با خط متفاوتی آمده است:

(دست راست) کاپاتن واگنر (؟) (دست چپ) اسدالله خان سلطان توپخانه جدید»

در شمال غربی و جنوب غربی دو تا قلعه وجود داشته که وردی آن روبروی شهر است این دو قلعه به استثنای خندق دیوار و هر کدام با سه توپ دارای غلام گردش دور دیوار و استحکامات، بیشتری می‌باشد. ادامه مسیر دسترسی به دروازه پس از خارج شدن از قلعه و عبور از خندق میسر است. در طرفین خیابانها درختکاری شده باستثنای ادامه خیابان دروازه ارک.

برج و باروی قدیمی شهر

همانطور که در نقشه پیوست ملاحظه می‌گردد و مطابق اشارات تاریخی، ارومیه از قرون اولیه دارای برج و باروی دفاعی بوده که در محدوده آن علاوه بر مجموعه بازار، در داخل و خارج این برج و بارو محلات قدیم و آثاری وجود داشتند که برخی از آنها هنوز پا بر جا بوده اما قسمت عمده ابنیه مورد اشاره بتدریج از بین رفته‌اند.

بانگاهی به نقشه‌های قدیمی و طرح تفصیلی شهر ارومیه معلوم می‌شود که این شهر علاوه بر داشتن ساختمان برج و باروی محکم با طرح تقریباً بیضی شکل و خندقهای در پشت باروی مذکور، با هفت دروازه بخارج ارتباط داشته، که به شرح زیر می‌باشد:

۱- دروازه توپراق قلعه (در نقشه اصلی توپراق قلعه) در شمال شرقی شهر نزدیک به جاده دسترسی به بندر گلخانه (تنها بندر ارتباطی ارومیه به تبریز و مراغه).

۲- دروازه بالو (دروازه مشهد) واقع در انتهای خیابان حافظ کنونی

۳- دروازه عسگر خان (هند) در شمال غربی ارومیه که امروز هم به همین نام مشهور است (عسگرخان)

۴- دروازه کردشهر (یوردشاه) در جنوب غربی ارومیه و مشرف به محل فعلی استانداری.

۵- دروازه ارک- در جنوب ارومیه (محل سابق دارالحکومه آذربایجان غربی) و در جوار خیابان دانش ۲ فعلی.

۶- دروازه بازار باش در جنوب شرقی ارومیه (مقابل یکی از پارکهای جدید و نزدیک به مقبره سه گنبد).

۷- دروازه هزاران (در نقشه اصلی خزران) در مشرق ارومیه که امروزه به دروازه مهاباد مشهور است.

میرزا رشید ادیب الشعرا بخشی از تاریخ ارومیه را در کتاب تاریخ افشار آورده و در مورد حمله سال ۱۲۹۷ عییداله خان نقشبندی به ارومیه صفحاتی را اختصاص داده که از لحاظ اطلاعات خوبی که در مورد برج و باروی، دروازه‌های شهر و نحوه دفاع مردم شهر ارائه نموده، جالب توجه است. در بخشی از این فصل آمده است:^(۱)

«در سال ۱۲۹۷ قمری اکراد به سرکردگی عییدالله خان نقشبندی با سپاه ۳۰۰۰ نفری به شهر ارومیه حمله کرد.

اقبال الدوله والی شهر ارومیه (از کردهای ایل افشار)، مرکز دفاع از شهر را در مسجد یورد شاه قرار داد^(۲) و مسئولیت دفاع شهر را خود به عهده گرفت. دفاع از شهر را به هفت منطقه تقسیم نمود.

(که عموماً نام دروازه‌ها را داشته و با لمال از نظام محله‌بندی نیز تبعیت می‌کرد).

همبستگی مردم جهت دفع نیروی متخاصم بسیار زیاد بود. حتی زنان با سنگ از شهر دفاع کردند. دو گروه در داخل شهر در پایین آوردن روحیه مقاومت مردم، سعی و تلاش می‌کردند.

یکی نماینده انگلیس بود که با بیان اینکه «سه هزار نفر مرد رزم ندیده در یک قلعه خرابه در هم شکسته با سی هزار لشکر جرار

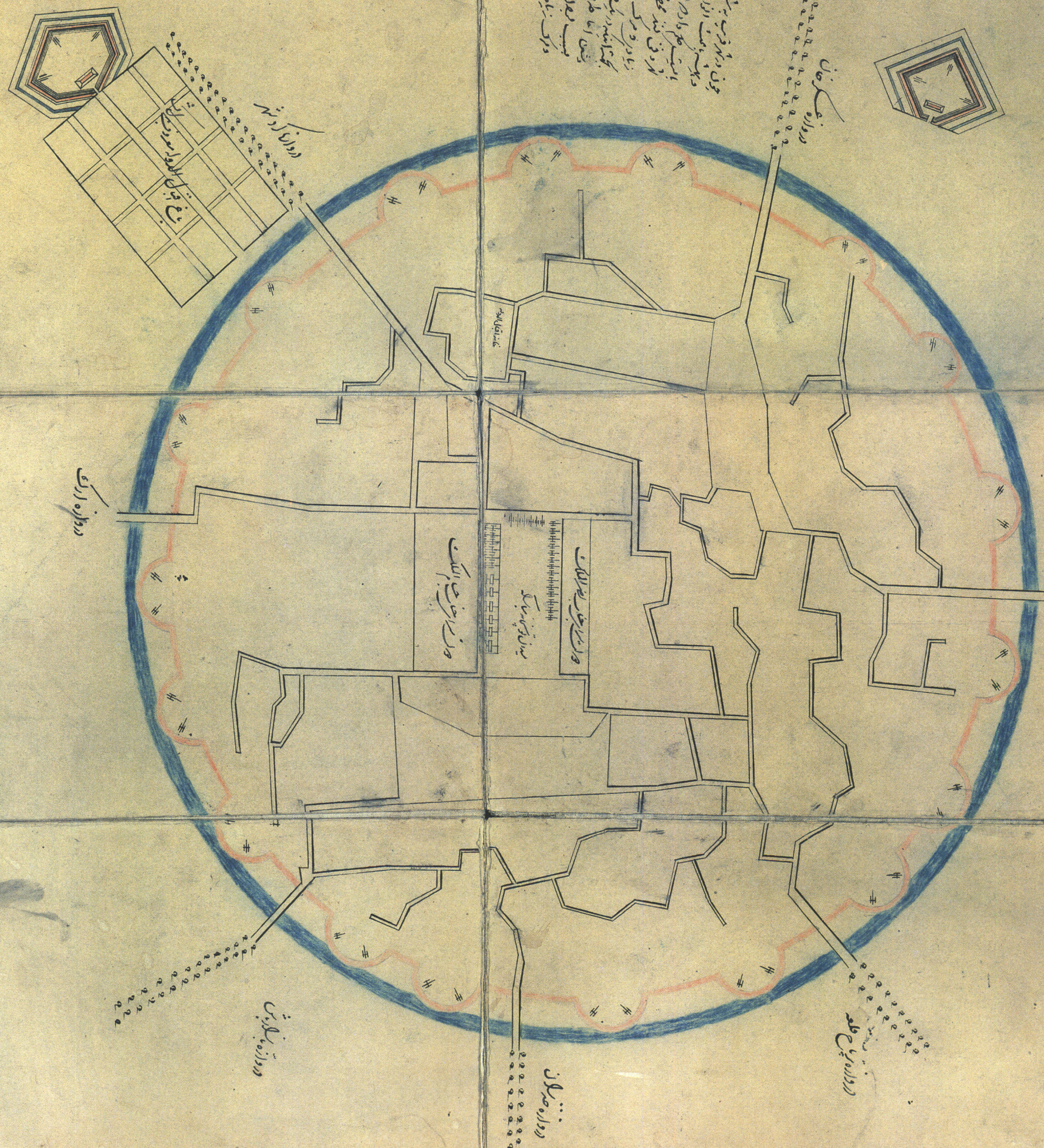
هفت نام دروازه شهر با مقایسه نقشه اسدالله خان، غریبیان با هم

ردیف	اسدالله خان سلطان توپخانه	غریبیان	ملاحظات
۱	دروازه خزران	محله هزاران	
۲	دروازه ترپاخ قلعه	دروازه تپراق قلعه	
۳	دروازه بالو	دروازه بالو نوشته نشده است	
۴	دروازه عسگرخان	محله عسگرخان	منبع مشخص نیست دروازه هندو؟
۵	دروازه کردشهر جنب باغ اقبال الدوله دلگشا	محله دلگشا محله یوردشاه	دروازه یوروشته؟
۶	دروازه ارک	دروازه ارک	
۷	دروازه بازار باش	محله بازار باش	

شرح - بکته طالع بندر ابراهیم و مدافع آن
بلور سرد از فراغ تعمیر یافت
اولا - تغییر کردن دیوار اطراف هر خانه یعنی
بعضی از دیوار طالع را که قبلاً یک دیوار بود
فنا شد و در عقب دیوارها دیوارهای تازه و دیگر طالع
در بکته مرصع بنف المهر سر باز در درون بکته
و مدافع کنند
ثانی - در درون دیوار اطراف هر خانه قریب ساعت
ساعتی - در طرف جنوب و مغرب از دیوار طالع
مقام طالع ها بنا کرد
فصل - در حالت مردم در وقت خانه در دروازه
نور چشمه برید و ام چنان بعضی دیوارها را در دیوار
نور چشمه خراب کرد و در عقب آنها دیوارهای نو
فرمان شد
سبب فرسودگی اطراف آنکه مدت دیوار طالع است
در آن آیه مذهب خندق
بکته بدون قوت در برابر آنکه از آن بکته خانه ها را
در چشمه برید و در دیوار کرد

مغرب

چون در هر قریب به بکته
دیوار طالع را در دیوار
بکته طالع را در دیوار
نور چشمه خراب کرد و در عقب آنها دیوارهای نو
فرمان شد
سبب فرسودگی اطراف آنکه مدت دیوار طالع است
در آن آیه مذهب خندق
بکته بدون قوت در برابر آنکه از آن بکته خانه ها را
در چشمه برید و در دیوار کرد



شیخ عبیدالله» چگونه می‌تواند تاب بیاورد. نصب پرچم سفید بالای کنسولگری انگلیس و عثمانی و چراغانی چند خانه تابع بیمارستانهای خارجی آن شهر نیز تلاش دیگری در شکستن روحیه مردم بود. ضمناً کنسول انگلیس نظر داد آرامنه به خارج شهر بروند و یا پرچم انگلیس بر سر منازل خود برافراشته گردانند. این نظر مخالفت خلیفه را برانگیخت و دستور داد تفنگچیان کاتولیک از روستا به شهر آمده پس از پایان نبرد «شاه او را به اهدای یک حلقه انگشتری الماس مفتخر کرد».

دیگر اینکه شیخ «در حدود یک صد نفر را تغییر لباس داد و به هیبت شهرنشینان درآورده و عازم شهر نمود تا در خانه اهل تسنن ساکن شوند و نیمه شب تیراندازی نمایند. این دسیسه و توطئه نیز شکست خورد.

یکی از علل ضعف قوای شیخ، کمبود سرب و باروت بود. وی دو نفر یهودی را جهت خرید با پول کافی به صورت ناشناس روانه شهر نمود که لو رفت.

«شیخ صدق به دیزج لیلی آباد مشرف بدروازده عسگرخان پناه برد. توپچیان نیمه شب بطرف چراغ اطاق او شلیک کردند که همراهان وی کشته شدند، ولی او جان به سلامت برد».

اقبالالدوله باغ دلگشا را به توپ بست و از سوراخ‌های به وجود آمده توسط گلوله، به طرف توپچیان تیراندازی شد که باعث گردید توپچیان شهید شوند. «بدین طریق از طریق باغ دلگشا؛ و با استفاده از استتار درختان و دیوار به سوی شهر حمله کردند.

«نیروی مدافع شهر برای بیرون نمودن شیخ، تصمیم به انهدام دیوارهای آن گرفت و چون در گذشته با گلوله باران توپ این مقصود حاصل نشده نقب‌هائی زیر دیوار باغ زدند و آن را منفجر ساختند. عبیدالله نجات یافت. در و پنجره باغ دلگشا را کند و با خود برد.

نیروی کمکی تیمور پاشاخان، انهدام نیروی متخاصم را بعهده گرفت ولی تضاد او با اقبالالدوله باعث شیوع قحطی و وبا گردید. یک سوم از اهالی روستا نابود شدند. نیروی دیگر که جهت سرکوب کردن عبیدالله بکار آمد دست کمی از خود عبیدالله خان نداشت.

چون وضع شهر به کلی از هم گسیخته بود سر فوج همدان به ابوالجمعی سرکار حسام‌الملک و جمعی از سواران شاهسون و قراچه داغی را که جمعاً هفت هزار نفر بودند به ریاست نصیرالملک در ارومیه گذاشت و الباقی به طرف تبریز حرکت کردند».

.....
* - براساس این مقاله در فروردین ماه هشتاد و دو در ارومیه سخنرانی شد.